

تحلیل هزینه خوراک در ایران



♦ **دکتر عطیه وحیدمنش**
عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه تهران

۱- مقدمه

ایران در حالی سده جدید شمسی را شروع می‌کند که اقتصادش از یک سو به واسطه تحریم‌های بی‌سابقه ایالات متحده ذیل عنوان فشار حداکثری که از سوی مسئولان کشور به جنگ و تروریسم اقتصادی تعبیر شده است و از سوی دیگر به واسطه برخی سیاست‌گذاری‌های نادرست اقتصادی در شرایط باثباتی به سر نمی‌برد. نرخ‌های رشد منفی مستمر طی دهه نود شمسی و تورم‌های دو رقمی بی‌سابقه باعث کاهش قدرت خرید خانوار و گسترش فقر شده است. طبق آمار رسمی نرخ فقر از حدود ۱۹ درصد در ابتدای دهه نود به نزدیک ۳۰/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است که افزایش ۶۰ درصد را نشان می‌دهد.

فقر یک پدیده چندبعدی است. فقر درآمدی تنها یکی از وجوه فقر، ولی از مهم‌ترین وجوه آن است. یکی از معلول‌های فقر درآمدی، فقر خوراکی است به نحوی که فرد نمی‌تواند کالری موردنیاز و تغذیه مناسب و با کیفیتی را برای خود فراهم آورد. در نتیجه آن، فرد بهره‌وری کافی را نخواهد داشت و نمی‌تواند به‌طور بهره‌ور و کارا کار کند؛ بنابراین این امر خود باعث کاهش زمان کار کردن و کاهش درآمد می‌شود. این چرخه معیوب باز تولیدکننده وضعیتی است که در ادبیات اقتصاد و توسعه از آن به «تله فقر» یاد می‌شود (بنرجی و دوفلو، ۲۰۱۲). از آن جایی که فقر خوراک، یک مؤلفه مؤثر در تعریف فقر مطلق است و نیز یکی از عوامل مهم در باقی ماندن فرد در فقر است و همچنین از آن جایی که فقر ناشی از خوراک اثرات بین نسلی دارد که در نتیجه آن باعث می‌شود که

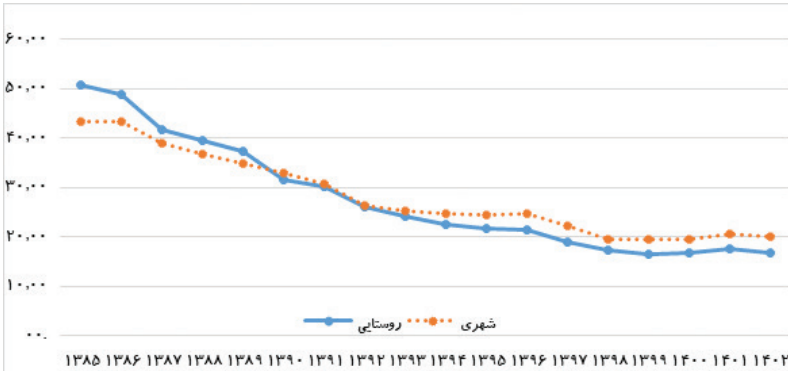
اثر آن میان‌مدت و بلندمدت باشد، بررسی آن اهمیت ویژه‌ای دارد. این نوشتار با تمرکز روی هزینه خوراک خانوار سعی می‌کند تصویری از روند و تغییرات این متغیر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که روی رفاه خانوار تأثیر دارد، به دست دهد. هزینه خوراک و بررسی آن از آن جهت اهمیت دارد که خوراک پایه‌ای‌ترین و اساسی‌ترین نیاز هر فرد است. در واقع در بین همه نیازهای اساسی خانوار، ابتدا و بیش از هر چیز خوراک باید تأمین شود. افزایش سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار از سویی نشان‌دهنده فقیرتر شدن خانوار است؛ زیرا همان‌طور که در منحنی انگل^۲ دیده می‌شود، خانوارهای کم‌درآمدتر سهم بزرگ‌تری از درآمد خود را به خوراک تخصیص می‌دهند و از طرفی دیگر نشان‌دهنده این وضعیت است که درآمد خانوار به سایر هزینه‌ها از جمله آموزش و بهداشت که در بردارنده سرمایه انسانی است، کمتر می‌رسد. در نتیجه همین امر باعث می‌شود خانوار در میان‌مدت و بلندمدت نیز نتواند انباشت سرمایه، بخصوص سرمایه انسانی را برای اعضای خانواده مهیا

این نوشتار با تمرکز روی هزینه خوراک خانوار سعی می‌کند تصویری از روند و تغییرات این متغیر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که روی رفاه خانوار تأثیر دارد، به دست دهد. هزینه خوراک و بررسی آن از آن جهت اهمیت دارد که خوراک پایه‌ای‌ترین و اساسی‌ترین نیاز هر فرد است. در واقع در بین همه نیازهای اساسی خانوار، ابتدا و بیش از هر چیز خوراک باید تأمین شود. افزایش سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار از سویی نشان‌دهنده فقیرتر شدن خانوار است.

کند و در نتیجه فقر تعمیق یافته و اثرات بین نسلی آن نیز هویدا می‌شود.

۲- هزینه خوراک خانوار در ایران

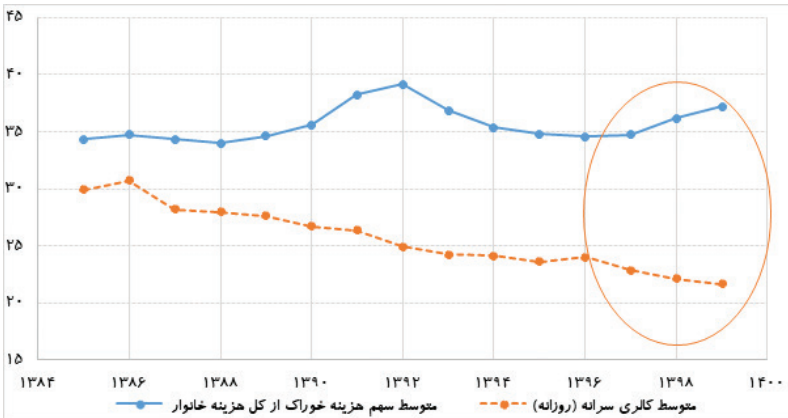
آنچه در ادبیات اقتصاد توسعه موردپذیرش است، این نکته است که افراد فقیر سهم بیشتری از درآمد خود را صرف غذا می‌کنند؛ درحالی‌که هر چه دهک درآمدی فرد بالاتر می‌رود، فرد مقدار غذای بیشتری مصرف می‌کند، اما سهم غذا در بودجه افراد دهک‌های پایین‌تر بالاتر است. این مسئله به این علت است که خوراک در سلسله نیازهای بشر پایین‌ترین سطح را دارد و اگر فرد کالری لازم را دریافت نکند، اساساً نوبت به برطرف کردن سایر نیازها نمی‌رسد. افراد کم‌درآمدتر، درآمد کمتری دارند و در نتیجه نسبت هزینه خوراک از هزینه کل‌شان بزرگ‌تر از افراد ثروتمندتر است. با این وجود، در بین افراد کم‌درآمدتر نیز این میل وجود دارد اگر فرد بتواند غذاهای باکیفیت‌تر بخورد؛ به عبارتی در بین افراد کم‌درآمد نیز با افزایش درآمد، اولاً لزوماً همه درآمد



نمودار شماره (۱) هزینه حقیقی ماهانه خوراک خانوار (به قیمت‌های ثابت ۱۴۰۰) - میلیون ریال در ماه
(منبع: محاسبات محقق و داده‌های هزینه و درآمد خانوار)



نمودار شماره (۲) نسبت هزینه خوراک به هزینه کل به تفکیک خانوار شهری و روستایی (درصد)
(منبع: محاسبات محقق و داده‌های هزینه و درآمد خانوار)



نمودار شماره (۳) متوسط هزینه خوراک خانوار از کل هزینه‌ها و میانگین کالری سرانه دریافتی روزانه
(منبع: محاسبات تحقیق بر اساس داده‌های هزینه و درآمد خانوار - مرکز آمار ایران)

صرف خرید خوراک نمی‌شود و ثانیاً افراد بین خوراکی‌های در دسترس، دست به انتخاب می‌زنند (بنرجی و دوفلو، ۲۰۱۲). همان‌طور که در نمودار شماره (۱) ملاحظه می‌شود، هزینه حقیقی خوراک خانوارهای شهری و روستایی مستمراً از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۲ نزولی بوده است. این به این معناست که خانوارهای کشور درحالی‌که به‌طور اسمی مقدار بیشتری صرف خرید خوراک می‌کنند، اما به خاطر تورم‌های بالای خوراک، به شکل حقیقی قدرت خرید درآمدی آن‌ها که صرف خوراک شده است، مستمراً کاهش یافته است. از سوی دیگر، در نمودار شماره (۲) ملاحظه می‌شود که هم در دوره اول تحریم‌ها (۱۳۹۰-۱۳۹۳) و هم در دوره دوم تحریم‌ها (۱۳۹۷-۱۴۰۲) سهم هزینه خوراک از هزینه کل خانوار هم در خانوار شهری و هم روستایی افزایشی بوده است و این روند برای خانوار روستایی شدیدتر بوده است. همچنین حذف ارزش ترجیحی در اردیبهشت ۱۴۰۱ باعث افزایش شدید قیمت مواد خوراکی شد که همین امر باعث شد، نسبت هزینه خوراک به هزینه کل را با افزایشی حدود یک واحد درصدی در سال ۱۴۰۱ نسبت به ۱۴۰۰ مواجه سازد. در سال‌های اخیر، خانوار روستایی نزدیک به ۴۰ درصد درآمد خود را صرف خوراک کرده است، این به آن معناست که برای سایر هزینه‌ها، درآمد کمی باقی می‌ماند. این رقم برای خانوار شهری یک‌چهارم درآمد است. در مورد سهم خوراک یک فرضیه می‌تواند این باشد که خانوار خوراک بیشتری مصرف کرده است و به همین علت سهم خوراک بیشتر شده است. فرضیه دیگر می‌تواند این باشد که به خاطر رشد قیمت خوراک، خانوار برای حفظ سطح خوراک قبلی هزینه‌کرد بیشتری داشته است و در نهایت می‌تواند این اتفاق افتاده باشد که خانوار همزمان که سهم خوراکش افزایش یافته است، مجبور شده است که مصرف خوراک را نیز کم کند و یا خوراک کم‌کیفیت‌تر را با خوراک باکیفیت‌تر (در نتیجه گران‌تر)

جایگزین کرده است. بررسی کالری سرانه مصرفی نشان می‌دهد که اولاً روند میانه کالری دریافتی سرانه به‌طور مستمر کاهش یافته است و ثانیاً، در بسیاری از دهک‌های درآمدی نان جانشین برنج، گوشت مرغ جانشین گوشت قرمز و

تخم مرغ جانشین

گوشت مرغ شده

است. همچنین روند مصرف

ریزمغذی‌ها از جمله ویتامین A،

ویتامین B₂ (ریبوفلاوین)، آهن و کلسیم

روند نزولی داشته است. به عبارت دیگر به

نظر می‌رسد سناریوی آخر در کشور به وقوع

پیوسته است. خانوارها به‌طور متوسط به خاطر

افزایش قیمت خوراک، سهم بیشتری از هزینه کل خود

را به خوراک تخصیص می‌دهند (در نتیجه برای سایر

هزینه‌ها سهم کمتری باقی می‌ماند) و از طرفی کیفیت

و کمیت خوراک را نیز کاهش داده‌اند که این بدترین اتفاق

ممکن از بین فرضیه‌های ذکر شده است؛ زیرا کاهش کیفیت

خوراک مصرفی از یک سو و کاهش کالری به زیر ۲۱۰۰ کیلوکالری

استاندارد سازمان بهداشت جهانی از سوی دیگر تبعات سلامت

عمومی به همراه خواهد داشت. نمودار شماره (۳) نشان‌دهنده رخ

دادن فرضیه سوم بویژه بین سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ است.

با بررسی هزینه خوراک به تفکیک دهک‌های درآمدی می‌توان

رابطه انگل را به‌طور واضحی مشاهده کرد. همان‌طور که گفته شد،

دهک‌های پایین درآمدی سهم بزرگ‌تری از درآمد خود را به

خوراک تخصیص می‌دهند. در ایران طی بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۲

خانوارهای دهک اول درآمدی به‌طور متوسط ۳۱/۵ درصد درآمد

خود را صرف خوراک کرده‌اند. این عدد در برخی سال‌ها تا

۳۵ درصد نیز رشد داشته است (سال ۱۳۹۰). در سال ۱۴۰۱

با انجام اصلاحات مربوط به حذف ارز ترجیحی برخی اقلام

خوراکی مانند گروه روغن‌ها نسبت هزینه خوراک دهک

اول درآمدی به ۳۴/۸ درصد افزایش یافت؛ هرچند که با

تعدیل قیمت‌ها و پرداخت یارانه نقدی ۴۰۰ هزار تومانی

و نیز تخلیه اثر تورمی حذف ارز ترجیحی این نسبت

در سال ۱۴۰۲ به ۲۹/۹ درصد کاهش یافت که

اختلاف حدود ۵ واحد درصدی را نشان می‌دهد.

افزایش شدید سهم خوراک از هزینه کل

خانوار دهک ۱ نشان‌دهنده کاهش

قابل‌توجه رفاه این خانوارها

در دوره تحریم‌های

اقتصادی است.





دهک ده درآمدی از دیگر سو به‌طور متوسط در بازه ۱۸ ساله منتهی به ۱۴۰۲، ۲۲/۶ درصد از درآمدش را صرف خوراک کرده است که اختلافی حدود ۹ واحد درصدی را نشان می‌دهد. اثر شوک‌های اقتصادی دوره اول تحریم‌ها و یا حذف ارز ترجیحی، خانوار دهک ۱۰ را نیز متأثر کرده است، اما با نسبتی کمتر. از حیث میزان هزینه خوراک و نابرابری در میزان این هزینه در طی بازه زمانی مورد مطالعه، خانوار دهک ده به‌طور متوسط ۳ برابر خانوار دهک ۱ هزینه خوراک داشته است. این نابرابری طی زمان اندکی کاهش یافته است، به‌طوری‌که در سال ۱۳۸۵ خانوار دهک ده ۳/۷۳ برابر خانوار دهک یک هزینه خوراک داشته است، اما در سال ۱۴۰۲ این رقم به ۲/۵ برابر کاهش یافته است؛ البته باید توجه داشت کاهش نابرابری عمدتاً ناشی از بدتر شدن و کاهش هزینه حقیقی خوراک دهک ده بوده است تا بهبود وضعیت خانوار دهک یک. علاوه بر دهک درآمدی می‌توان سهم هزینه خوراک به تفکیک استان را نیز ملاحظه کرد. مطابق با همان الگوی گفته شده در استان‌هایی که از نظر درآمدی استان‌های محروم‌تری هستند و سطح توسعه‌یافتگی پایین‌تری دارند، سهم هزینه خوراک بالاتر است که با ادبیات اقتصادی نیز می‌خواند. برای جلوگیری از اطاله کلام، تنها نمودار سال ۱۴۰۲ آورده شده است. در این سال به‌طور متوسط بین همه استان‌ها، سهم هزینه خوراک از هزینه کل خانوار حدود ۳۰/۲ درصد بوده است. استان‌های ایلام، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و خراسان جنوبی بالاترین نسبت هزینه خوراک از هزینه کل را داشته‌اند و بهترین استان‌ها از نظر این شاخص به ترتیب تهران، البرز، همدان و اصفهان بوده‌اند.

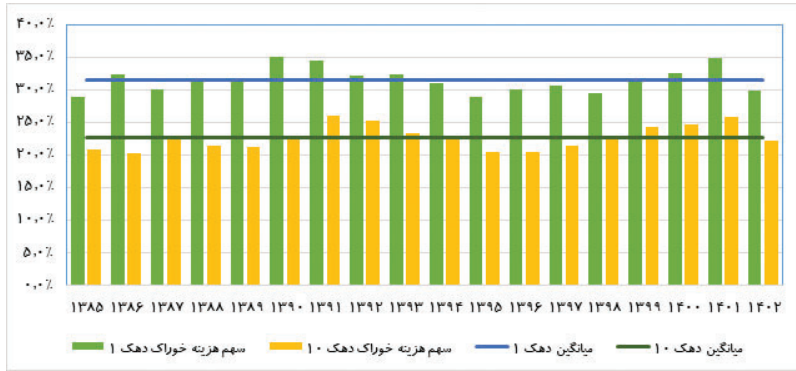
۳- جمع‌بندی

آنچه از بررسی هزینه خوراک در ایران طی بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۲ از داده‌های هزینه و درآمد خانوار برمی‌آید، این واقعیت را مشخص می‌کند که هزینه‌های

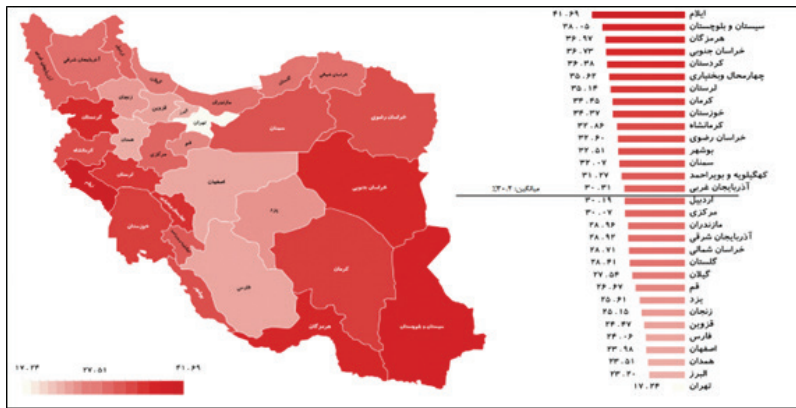
سهم بزرگتری از درآمد خود را صرف خوراک می‌کنند. همین امر نشان‌دهنده تعمیق فقر و گسترش فقر بین نسلی در بین گروه‌های کم‌درآمدتر است؛ زیرا وقتی سهم خوراک از کل هزینه خانوار افزایشی است؛ این به معنای کاهش سهم سایر هزینه‌ها و از جمله هزینه‌های سرمایه انسانی (هزینه آموزش و بهداشت و سلامت) خواهد بود. آنچه مشخص است این است که بدون رشد اقتصادی پایدار و بزرگ شدن اندازه اقتصاد، انتظار آنکه این روندها معکوس شود بسیار دور از ذهن و ناممکن است. با این وجود سیاست‌گذار تا حصول رشد پایدار اقتصادی و افزایش درآمدها، دست‌کم باید از افراد کم‌درآمد و مشخصاً افراد فقیر مطلق که شامل سه دهک پایین درآمد هستند، حمایت‌های خوراکی داشته باشد. این امر بویژه باید با اولویت خانوارهای فقیر دارای کودک باشد تا اثرات بین نسلی فقر خوراکی تا حد ممکن تخفیف یابد. ♦♦

منابع

- کاویانی، زهرا. (خرداد ۱۴۰۲)، وضعیت فقر و ویژگی‌های فقرا در دهه گذشته. دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. برگرفته از آدرس: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1775550>
- کاویانی، زهرا. عینیان، مجید. عبداللهی، محمدرضا. شهبازیان، آرین. خط فقر ایران در سال ۱۳۹۵ و مروری بر روش محاسبه آن، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. برگرفته از آدرس: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1089090>
- موسوی‌نیک، سیدهادی. کاویانی، زهرا. پهلوان، محمدصابر. (۱۱ دی ۱۴۰۱)، مجموعه گزارش‌های فقر: پایش فقر در سال ۱۴۰۰، دفتر مطالعات رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. برگرفته از آدرس: B2n.ir/b30732
- Banerjee, A., & Duflo, E. (2012). Poor economics. PublicAffairs



نمودار شماره (۴): سهم هزینه خوراک از هزینه کل خانوار به تفکیک دهک درآمدی (درصد)
(منبع: محاسبات محقق و داده‌های درآمد و هزینه خانوار)



نمودار شماره (۵): سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار به تفکیک استان - سال ۱۴۰۲ (درصد)
(منبع: محاسبات محقق و داده‌های درآمد و هزینه خانوار)

تفکیک شهر و روستا، دهک‌های درآمدی و استانی نشان می‌دهد که خانوارهای روستایی دهک‌های پایین درآمدی و استان‌های توسعه‌نیافته‌تر مطابق با تئوری اقتصاد،

افراد کم‌درآمدتر، درآمد کمتری دارند و در نتیجه نسبت هزینه خوراک از هزینه کل‌شان بزرگ‌تر از افراد ثروتمندتر است. با این وجود، در بین افراد کم‌درآمدتر نیز این میل وجود دارد اگر فرد بتواند غذاهای باکیفیت‌تر بخورد؛ به عبارتی در بین افراد کم‌درآمد نیز با افزایش درآمد، اولاً لزوماً همه درآمد صرف خرید خوراک نمی‌شود و ثانیاً افراد بین خوراک‌های در دسترس، دست به انتخاب می‌زنند.

اسمی خوراک مستمراً افزایشی بوده است، اما به خاطر تورم، قدرت خرید این هزینه، مستمراً کاهش یافته است. از طرف دیگر، سهم هزینه خوراک از هزینه کل خانوار در طی دوره‌های تحریم (۱۳۹۳-۱۳۹۰ و ۱۴۰۲-۱۳۹۷) روندی افزایشی داشته است. همچنین روند دریافت کالری در کشور بویژه در طی دوره بعد از خروج آمریکا از برجام یک روند کاهش یافته داشته است. از مجموع این نتایج می‌توان گفت که خانوار ایرانی درحالی‌که مقدار بیشتری از درآمد خود را صرف خوراک می‌کند، اما با این هزینه، خوراک کمتری را می‌تواند بخرد و این بدترین اتفاق در بین سناریوهای قابل‌تصور نسبت به سفره خانوار ایرانی است. نگاهی به روند سهم هزینه خوراک به